

## بررسی علل و ابعاد حقوقی ورشکستگی شرکت انرون آمریکا با تأکید بر حقوق شرکت‌های آمریکایی

سید علی سید احمدی سجادی<sup>1</sup>

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق

دانشگاه تهران

امیر باقریان<sup>2</sup>

دانش‌آموخته حقوق خصوصی و حقوق

قراردادهای نفت و گاز از دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش 1394/11/13

تاریخ دریافت 1393/12/17

### چکیده

شرکت انرون در سال 1985 فعالیت خود را در زمینه تولید و فروش انرژی شروع کرد و به سرعت به بزرگ‌ترین شرکت انرژی جهان تبدیل شد. به نحوی که طی رتبه‌بندی صورت گرفته در سال 2001، رتبه هفتم را در بین پانصد شرکت بزرگ آمریکا به خود اختصاص داد. این در حالی است که پایان حیات این شرکت نیز در اواخر همین سال رقم خورد و آمریکا را با بزرگ‌ترین ورشکستگی تاریخ خود مواجه نمود، که طی آن شمار زیادی سرمایه و یا کار خود را از دست دادند. این مقاله در مقام بررسی و شناسایی عوامل سقوط این گونه شرکت‌هاست تا با تدوین هر چه بیشتر قوانین حمایت از حقوق سهامداران، از وقوع موارد مشابه در ایران پیشگیری به عمل آید، و زمینه بازنگری و تحول در قوانین مربوط به حقوق شرکت‌ها در ایران فراهم شود. لذا می‌طلبید ضمن معرفی اجمالی از شرکت سهامی انرون مهم‌ترین دلایل ورشکستگی این شرکت بزرگ انرژی با تأکید بر حقوق شرکت‌های آمریکایی مورد کنکاش قرار داده شود. بخشی از یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تخلفات مالی مدیران، معیوب بودن ساختار درونی شرکت، عدم مدیریت ریسک تقلب، عدم شفاف‌سازی و پنهان‌کاری، حساب‌سازی، بی‌توجهی به حقوق سهامداران و

1- نویسنده مسئول : [fasajadi@yahoo.com](mailto:fasajadi@yahoo.com)

2- [abn.ut.ac@gmail.com](mailto:abn.ut.ac@gmail.com)

زیر پا گذاشتن اصول و قواعد اخلاقی از عوامل عمده سقوط این شرکت بزرگ انرژی بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** تضاد منافع، شرکت، تفکیک مالکیت از کنترل، مدیریت ریسک قلب، ورشکستگی، واحدهای دارای مقاصد خاص.

## 1- مقدمه

تجارت قلب اقتصاد هر کشور است پس باید با نظم و قانون به تپش خود ادامه دهد تا رونق اقتصادی و اشتغال جایگزین رکود و بیکاری شود. واژه ورشکستگی کلمه‌ای است که قدمت آن به شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و بازار می‌رسد. ورشکستگی از ابتدای فعالیت تجاری هر تاجر همراه او بوده است. معانی متعددی از جمله: وضع نامطلوب مالی، ناتوانی و عجز در پرداخت دیون و توقف در پرداخت دین همگی از مفهوم ورشکستگی به دست آمده است. عوامل متعددی باعث می‌گردد که یک بنگاه اقتصادی با وجود برنامه‌ریزی‌های گسترده دچار انحلال شود. عواملی همچون نوسانات اقتصادی، معیوب بودن ساختار درونی شرکت، عدم کارایی مدیران و اعتصابات گسترده می‌تواند از موجبات ورشکستگی و انحلال شرکت باشد. آنچه مهم است یک بنگاه اقتصادی فعال به‌طور غیر منتظره به ورشکستگی منجر نمی‌شود. چراکه این پدیده ممکن است علل پنهانی داشته باشد، که حداقل برای مدت مدیدی قابل شناسایی نباشد. شناسایی عوامل منتج به ورشکستگی در مرحله نهفتگی می‌تواند تا حدود زیادی از بروز این پدیده جلوگیری نماید. نهاد سرمایه‌داری با مفهوم جدید از شرکت وارد مرحله‌ای از سازماندهی اجتماعی شده است. با پیدایش شرکت‌های سهامی بزرگ، جدایی مالکیت از کنترل و مدیریت شکل گرفت. این پدیده اقتصادی بایستی به نحوی کنترل شود و بر فعالیت‌های آن نظارت مستمر نمود، در غیر این صورت ممکن است منجر به ورشکستگی شرکت گردد. از جمله شرکت‌هایی که به نحو غیرمنتظره‌ای تن به ورشکستگی داد انرون<sup>1</sup> بود. انرون که در ابتدا از ادغام دو شرکت گاز طبیعی به وجود آمده بود، طی حدود 16 سال توانست از یک واحد کوچک انرژی به یک شرکت بزرگ عرضه خدمات

1- Enron Corporation (former New York Stock Exchange ticker symbol ENE)

انرژی تبدیل شود. تا آنجا که در سال 2000 از سوی روزنامه انگلیسی فایننشیال تایمز به عنوان شرکت انرژی سال انتخاب شد. سقوط انرون و شرکت های دیگر نظیر ورلد کام، زیراکس، پارمالات، پیامدهای مهمی برای سهامداران، کارکنان و دنیای حقوق و اقتصاد در برداشت و به دنبال آن کشورها واکنش بازدارنده از خود نشان دادند. برای مثال در آمریکا، لایحه ساربنز آکسلی در ژوئیه 2002 تصویب و از سال 2004 لازم الاجرا شد.

هدف این مقاله بررسی و تبیین مراحل ظهور و سقوط شرکت انرون و بررسی علل حقوقی ورشکستگی شرکت مذکور از زوایای مختلف می باشد، تا ضمن به حداقل رساندن ریسک سرمایه گذاری در شرکت ها، ضرورت تدوین قوانین و استانداردهای مرتبط با مدیریت ریسک تقلب و شفاف سازی اطلاعات و قواعد مرتبط در جهت بازسازی و اصلاح ساختار درونی شرکت ها فراهم گردد.

## 2- ظهور شرکت انرون

شرکت انرون در سال 1930 با نام «شرکت گاز طبیعی شمال» در شهر هوستون تگزاس بنیان نهاده شد. این شرکت در ژوئیه 1985 از طریق ادغام شرکت هوستون نچرال گس<sup>1</sup> و اینترنورث<sup>2</sup> در هوستون آمریکا شکل گرفت و در دنیای تجارت انرون نام گرفت، و ابتدا در زمینه خط لوله گاز طبیعی فعالیت داشت و با مقررات زدایی بازار انرژی به سرعت تحول پیدا کرد و از واحد کوچک توزیع کننده انرژی به شرکت بزرگ بین المللی معامله گر در عرصه انرژی مبدل گشت. شرکت انرون از سال 1994 به تجارت انرژی برق پرداخت و از سال 1995 به بازار انرژی اروپا وارد شد، و در سال 1998 در هشت شاخه از جمله خدمات انرژی و سرمایه گذاری فعال بود. این شرکت پس از اندک زمانی به بزرگ ترین تاجر گاز در آمریکای شمالی و انگلستان تبدیل شد و قبل از اعلان ورشکستگی بر اساس پیشنهاد مشاور خود مک کینسی<sup>3</sup> و کمپانی و رهبری مدیر عامل سابق خود جفری اسکیلینگ<sup>4</sup> از یک شرکت انرژی به یک شرکت مدیریت خطر تغییر

1- Houston Natural Gas

2- Inter North

3- McKinsey and Company

4- Jeffrey Skilling

یافت، که هر چیزی از کالاهای مختلف تا مشتقات گوناگون در سراسر جهان را تجارت و مبادله می‌کرد. درآمدهای انرون در سال 2000 بیش از صد میلیارد دلار بود و ارزش بازار آن در بورس اوراق بهادار به بیش از شصت میلیارد دلار رسیده بود، و هر سهم آن در اوایل این سال حدود نود دلار ارزش داشت، که در پایان همین سال به زیر یک دلار رسید. در آوریل 2001 بر اساس رتبه‌بندی فورچون<sup>1</sup>، رتبه هفتم را در بین پانصد شرکت بزرگ آمریکا به خود اختصاص داد. در انرون موفقیت به حدی بود که عبارت توصیفی روی در ورودی دفتر مرکزی در هوستون در اوایل سال 2001، از «شرکت برجسته انرژی» به «شرکت برجسته دنیا» تغییر پیدا کرد. لیکن در دوم دسامبر 2001 انرون درخواست ثبت ورشکستگی کرد، و سقوط آن بزرگ‌ترین ورشکستگی ثبت شده تاریخ آمریکا به شمار می‌رود، که موجب از دست رفتن سرمایه هزاران نفر شد و پیامدهای مهمی برای ذینفعان آن از جمله سهامداران، کارکنان، طلبکاران و حساب‌رسان از جمله بی‌اعتباری و سقوط موسسه حسابرسی اندرسن دربر داشت. همچنین باعث تصویب قوانین مختلفی در آمریکا از جمله قانون ساربنز آکسلی<sup>2</sup> و تدوین اصول نظام راهبری شرکتی<sup>3</sup>، تصویب قانون شرکت‌ها و قانون تقلب در بریتانیا و قانون مدیریت ریسک و سیستم‌های داخلی در استرالیا، قانون ابزار چند جانبه در کانادا، قانون آئین رفتار حرفه‌ای راهبری شرکتی در هلند و تصویب دستورالعمل جامعه اروپایی به منظور منع استفاده از نظام مالی برای مقاصد پول‌شویی گردید (Mokarrami, 2008) در خصوص اصل الزامی بودن شفاف‌سازی اطلاعات<sup>4</sup>، در هلند و بلژیک قوانین متعددی وضع شد، و یا در سال 2001 بورس دوبلین آیین نامه افشای اطلاعات در برابر پاداش مدیران را تصویب کرد.

### 3- مراحل ورشکستگی انرون

در 31 اکتبر 2001 انرون اعلام کرد که کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا<sup>5</sup> در رابطه با تضاد منافع احتمالی مربوط به روابط این شرکت با شرکت‌های اقماری، تحقیقات رسمی خود را

1- Fortune 500

2- Sarbanes Oxley Act

3- Corporate Governance System

4- Transparency

5- Securities and Exchange Commission (SEC)

آغاز کرده است. واقعه این بود که مدیران انرون، شرکت‌هایی را در خارج از انرون تشکیل داده بودند که با شرکت انرون معامله داشتند. این شرکت‌ها پس از تشکیل، صدها میلیون دلار وام از بانک‌ها گرفته و از محل آن برای انرون سرمایه‌گذاری کرده بودند، که البته این سرمایه‌گذاری‌ها وضعیت روشن و مشخصی نداشت. استفاده از مشارکت‌ها برای استقراض، به 3/9 میلیارد دلار بدهی خارج از دفاتر انرون منجر شد. در این مقطع زمانی مدیران انرون سعی کردند برای فرار از کاهش رتبه اعتباری، انرون را به شرکت داینژی<sup>1</sup> بفروشند. این دو شرکت در نهم نوامبر توافق خود برای ادغام را اعلام کرده بودند. این شرکت در ابتدا موافقت کرد انرون را به مبلغ هشت میلیارد دلار بخرد، اما اوراق قرضه انرون توسط آژانس‌های اعتباری مستقل به‌عنوان اوراق بنجل رتبه‌بندی شد. همچنین شرکت داینژی برای توقف ادغام، ادعا کرد که اقلام صورت‌های مالی انرون به صورتی نادرست ارائه شده است و در 28 نوامبر 2001 داینژی از تصمیم خود صرف نظر کرد (Fox, 2003).

در دوم دسامبر 2001 انرون درخواست ورشکستگی فصل 11 که مربوط به بازسازی شرکت می‌شود را ارائه کرد و در این زمان آمریکا شاهد بزرگ‌ترین درخواست ورشکستگی تاریخ خود شد. در سوم دسامبر 2001، انرون 4000 نفر از کارکنان خود در آمریکا و 1000 نفر از کارکنان اروپایی خود را اخراج کرد، و در نهایت 21000 کارمند در سراسر جهان شغل خود را از دست دادند. در دوم فوریه 2002 کمیته ویژه تحقیقاتی که توسط هیئت‌مدیره انرون تشکیل شده بود گزارش داد که طرح پیچیده‌ای شامل شرکت‌های اقماری به مدیران اجرایی انرون اجازه داده است که سود شرکت را در حدود یک میلیارد دلار متورم کنند و در این بین میلیون‌ها دلار سود ببرند. در 14 مارس 2002 موسسه حسابرسی آرتور اندرسن که مدیران مربوطه را از کار برکنار کرده بود، به دلیل از بین بردن مدارک مربوط به انرون تحت تعقیب قضایی قرار گرفت، و در نهایت از این اتهام تبرئه، ولی برای سایر اتهامات محکوم شد و کنگره آمریکا مؤسسات حسابداری عمومی را از ارائه خدمات مشاوره‌ای منع کرد. سود سازی‌های انرون قیمت هر سهم آن را تا مرز 90/75 دلار بالا برد و پس از افشای رسوائی‌ها، قیمت هر سهم آن به 26 سنت سقوط کرد. بعدها ثابت شد که

مدیریت شرکت انرون به طور سیستماتیک کوشش کرده وضعیت شرکت را به غلط امیدوارکننده جلوه دهد (Davani, 2005).

تأثیر ورشکستگی انرون در اقتصاد آمریکا تا حدی بوده است که اخیراً در مطبوعات، ادبیات سیاسی و اقتصادی ایالات متحده واژه‌ای به معنی "اقتصاد انرونی"<sup>1</sup> مورد استفاده قرار گرفته، و مفهوم آن بر تعریف سیاست مالی و یا استراتژی اقتصادی، بر پایه روش‌های مبهم و غیر شفاف حسابداری و حسابرسی، برآورد بیش از حد سود و ارائه ارقام خوش‌بینانه همراه با آینده اقتصادی روشن به سهامداران استوار شده است. در حال حاضر این واژه از جانب دموکرات‌ها و مطبوعات برای زیر سؤال بردن سیاست‌های اقتصادی دولت وقت ایالات متحده مورد استفاده قرار می‌گیرد (Nasimi, 2002: 41).

#### 4- علل ورشکستگی شرکت انرون

ورشکستگی هر شرکتی طبیعتاً معلول عوامل مختلفی است که شرکت انرون نیز از این امر مستثنی نیست. گستردگی فعالیت‌های این شرکت باعث گردید عوامل خاصی ورشکستگی این شرکت را رقم بزند، که از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

##### 4-1- عدم رعایت قواعد، اصول و قوانین مربوط به بازار سرمایه

در اکثر قوانین و مقررات مربوط به بازار سرمایه، رعایت اصل آزاد گردش اطلاعات از مهم‌ترین اصولی است که سهامداران شرکت را به سمت بازار سرمایه برای خرید و فروش اوراق بهادار سوق می‌دهد. امروزه پابندی به اصل مذکور جزء حقوق قانونی صاحبان سهام محسوب می‌شود.

سهامداران باید مطمئن شوند، در برابر سرمایه‌گذاری که در این بازار به عمل می‌آورند بتوانند

1- واژه‌های "Ostinorne" و معادل آن "Scimonorne" به معنای اقتصاد انرونی است. معادل‌های دیگر این واژه‌ها عبارت است از: "Msinorne"، "Atsinorne" البته این دو، نسبت به واژه‌های مذکور، کاربرد کمتری دارند.

به اطلاعات مناسب و به موقعی دست یابند. از طرف دیگر سهامداران به همان نسبت که در منافع شرکت سهام‌اند از زیان‌های شرکت هم متضرر می‌شوند؛ بنابراین یکی از حقوق اولیه سرمایه‌گذاران در بورس آن است که آن‌ها بتوانند با بررسی جریان‌ات مربوط به شرکت از چند و چون ضررهای شرکت با خبر شده و در صورت لزوم اقدامات مناسبی در جهت پیشگیری از وقوع ضرر به عمل آورند. افشای اطلاعات در شرکت‌ها، مقدمه‌ای برای حق حضور و حق رأی سهامداران در مجامع عمومی است؛ زیرا آگاهی سهامدار از وضع شرکت و حساب‌ها و عملیات آن، تأثیر مستقیم در نتیجه برگزاری این مجامع دارد. همچنین افشای اطلاعات به سهامداران کمک می‌کند تا برای اقامه دعوی علیه مدیران دقیق‌تر عمل نمایند.

از دلایل ورشکستگی شرکت انرون، عدم رعایت مقررات مرتبط با افشا و شفاف‌سازی اطلاعات از سوی مدیران بود، عدم رعایت این اصل در انرون به این دلیل بود که در این شرکت مدیران اقدام به حساب‌سازی و حساب آرایبی نموده و مرتکب تخلفات مالی فراوان می‌شدند، و برای همین انرون یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های تقلب شرکت‌ها در قرن اخیر بوده است. عامل تقلب در موارد مشابهی مانند شرکت ورلد کام، تیکو، آدلفیا و آسوشیت نیز باعث ورشکستگی آن‌ها گردید، که در آن‌ها مدیران اجرایی با دست‌کاری اسناد و مدارک، سرمایه‌گذاران را گمراه می‌کردند. همچنین در شرکت انرون قواعد مدیریت ریسک تقلب وجود نداشت. مدیریت ریسک تقلب عبارت است از فرآیندی که از طریق آن یک سازمان یا سرمایه‌گذار با روش بهینه در مقابل انواع ریسک‌ها از خود واکنش نشان می‌دهد. مدیریت ریسک ابتدا انواع ریسک‌ها را شناسایی می‌کند و سپس روش کنترل آن را مشخص می‌سازد (Bates, 2006).

در واقع مدیریت ریسک، مجموعه تدابیر و فرایندهایی است که از طریق آن، شرکت در مقابل انواع ریسک‌ها واکنش نشان می‌دهد و باعث موفقیت و پایداری شرکت می‌گردد (kazemi, 2008: 188). تقلب در هر سه مورد آن در شرکت انرون رخ داد، یعنی اختلاس در دارایی‌ها توسط مدیران ارشد و اجرایی، گزارشگری فریب‌آمیز مالی و فعالیت‌های غیر قانونی و اخلاقی، و این‌ها همه به دلیل عدم اعمال مدیریت ریسک تقلب توسط این شرکت اتفاق افتاده است (FERA act, 2009).

چنانچه شرکت انرون مراحل چندگانه برای کنترل موفق ریسک تقلب را اعمال می‌نمود، از جمله شناسایی و تشخیص منابع ریسک (راه‌های تخلف و شکاف‌های ساختار کنترلی شرکت) و

اندازه‌گیری و ارزیابی میزان ریسک و تأثیر آن، هیچ‌گاه دچار شکست مالی نمی‌گردید (Daghani, 2009). در واقع تقلب در شرکت انرون توسط مدیران ارشد که وظیفه مدیریت ریسک تقلب را برعهده داشتند اتفاق افتاد و این مدیران آگاهانه دست به تقلب و تخلف مالی می‌زدند و الا در شرکت‌هایی که ممکن است در آن‌ها توسط کارمندان جزء تقلب صورت گیرد، مدیران ارشد با تدوین ساختار کنترلی مناسب منطبق بر شرایط شرکت ضمن مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و رعایت حقوق ذینفعان در شرکت، مانع از بین رفتن منابع شرکت و فاصله افتادن بین کشف تخلف و واکنش مناسب می‌شوند. در شرکت انرون به دلیل اینکه تقلب توسط مدیران عالی اتفاق افتاد کارمندان و زیردستان هم نتوانستند از وقایع مطلع شوند تا به سرپرستان خود گزارش کنند. در حقیقت چنانچه مطلع می‌شدند نیز قدرت و امکان اطلاع به مدیرانی که خود عامل تقلب بودند را نمی‌یافتند.

سرمایه‌گذاران نیز در افزایش تقلب یا تخلف، بازیگران آرامی هستند و شاید باید گفت نقش بارزی در افشاگری تقلب ندارند (Ibid). این موضوع در شرکت‌هایی که مالکیت سهام آن‌ها غیر متمرکز است مانند شرکت انرون، برجسته‌تر است. زیرا بزرگی این‌گونه شرکت‌ها پراکندگی مالکیت سهم را به وجود می‌آورد، و این امر باعث تفکیک مالکیت از کنترل و تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می‌شود.

تفکیک مالکیت از کنترل منجر به واگرایی منافع می‌شود، به طوری که سهامداران سعی در تعقیب منافع خود کرده و مدیران نیز ضمن تلاش در جهت ابقای خود در سمت مدیریت به دنبال منافع شخصی خودشان هستند. فرآیند جدایی مالکیت از کنترل چنین توصیف می‌شود که با بزرگ‌تر شدن شرکت، پراکندگی مالکیت سهم به وجود می‌آید که نتیجه آن به کاهش قدرت سهامداران و افزایش تدریجی اختیارات مدیران می‌انجامد و باعث عدم امکان تسلط و نفوذ سهامداران بر رکن مدیریتی شرکت می‌شود، لذا جدایی مالکیت از مدیریت باعث می‌شود که مدیران در امور شرکت دچار افراط و تفریط شوند و مشکلاتی را به‌عنوان نماینده برای سهامداران ایجاد نمایند. از طرفی کنترل مدیران توسط سهامداران مستلزم هزینه‌هایی است که از آن تعبیر به هزینه‌های نمایندگی شده است (Seyyed ahmadi sajjadi, 2008: 107). بنابراین در شرکت انرون به دلیل اینکه ساختار مالکیت شرکت رو به پراکندگی و توزیع بود، نتیجه آن منجر به جدایی مالکیت از مدیریت شد، زیرا در مالکیت فراگیر سهامداران به دنبال اعمال حقوق مالکیت



خود نمی‌باشند و انگیزه‌ای جهت نظارت بر مدیریت شرکت و عملکرد مدیران ندارند (Ibid, 114).

#### 1-1-4- مشکلات ساختاری در هیئت‌مدیره شرکت سهامی انرون

مدیریت در شرکت‌های سهامی از مهم‌ترین ارکان اساسی شرکت محسوب می‌شود. هیئت‌مدیره از جهت سلسله‌مراتب تابع مجمع عمومی است. این مفهوم را می‌توان از اختیار عزل و نصب مدیران از سوی مجمع، تعیین حق‌الزحمه ایشان و مهم‌تر از همه تکلیف مدیران به اجرای مصوبات در کنار قانون و اساسنامه دریافت (Pasban, 2006: 175). از طرفی مدیران ضمن اینکه رابطه نمایندگی با شرکت دارند امین شرکت و سهامداران نیز محسوب می‌شوند. در شرکت انرون نه تنها از بعد حقوقی رابطه نمایندگی و امانت مخدوش شده بود بلکه از جهت ساختاری سهامداران امکان نظارت مطلوب بر اعمال شرکت را نداشتند، اعضای هیئت‌مدیره نیز فاقد استقلال بودند و در بسیاری موارد از مدیر عامل تبعیت می‌کردند. قدرت نامحدود مدیر عامل یک مشکل بزرگ و یکی از علائم ضعف شرکت بود و این به دلیل مشکلات ساختاری در هیئت‌مدیره شرکت انرون بود، از جمله اینکه در این شرکت سمت رئیس هیئت‌مدیره و مدیر عامل در بسیاری مواقع بر عهده یک شخص قرار داشت. مدیر عامل از اختیارات نسبتاً نامحدودی برخوردار بود. افزون بر آن مدیران غیر موظف فاقد ویژگی استقلال بودند و عملکرد آن‌ها بسیار ضعیف بود. هیئت‌مدیره انرون توانایی نظارت و کنترل بر مدیران اجرایی و در رأس آن مدیر عامل را نداشت. مدیران اجرایی بر اساس اختیار خرید سهام پاداش می‌گرفتند. به‌عنوان نمونه یکی از مدیران اجرایی انرون در سال 2000 بیش از 140 میلیون دلار از شرکت پاداش دریافت نمود (Hasasyeganeh, 2004). بعلاوه فرآیند انتخاب اعضای هیئت‌مدیره به‌گونه‌ای بود که مدیر عامل در پشت پرده نقش قابل‌ملاحظه‌ای داشت. در انرون کمیته انتصاب جهت انتخاب اعضای هیئت‌مدیره نقش منفعلی داشت. در حالی که، وجود کمیته انتصابات مستقل، بر اثر بخشی هیئت‌مدیره و توانایی نظارت بر مدیران اجرایی می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، زیرا نفوذ مدیریت برای انتصاب اعضای جدید هیئت‌مدیره را محدود می‌کند (Bouloo, 2006). در ایران نیز یکی از مشکلات ساختاری در شرکت‌های سهامی به‌ویژه شرکت‌های دولتی قدرت بیش‌ازحد مدیر عامل است به‌نحوی که در عمل هیئت‌مدیره نقش مؤثری در جهت نظارت بر عملکرد مدیر عامل و سایر مدیران اجرایی

ندارد. افزون بر این در ماده 124 لایحه اصلاح قانون تجارت امکان جمع دو سمت مدیرعامل با ریاست هیئت مدیره تجویز شده است که این خود با نقش نظارتی هیئت مدیره در تهاافت و تعارض است.

#### 2-1-4- عدم رعایت حقوق سهامداران از سوی مدیران

رعایت حقوق صاحبان سهام اعم از حقوق مالی و غیر مالی از موضوعات مهم در حقوق شرکت هاست که مورد تأکید اکثر قوانین شرکت ها در نظام های حقوقی مختلف قرار گرفته است. از جمله این حقوق می توان به حق تقدم در خرید سهام به هنگام افزایش سرمایه، حق تملک سرمایه شرکت پس از انحلال، حق مطالبه سود و منافع حاصله و نیز اندوخته و ذخایر شرکت و حقوق غیر مالی نظیر حق داشتن کسب اطلاعات، حق شرکت در مجامع عمومی و دادن رأی اشاره نمود.

از دیگر عوامل ورشکستگی انرون، عدم رعایت حقوق سهامداران به ویژه سهامداران اقلیت بود. سهامدار اقلیت به سهامدارانی اطلاق می شود که بواسطه اندک بودن سهامشان نسبت به مجموع سهام شرکت، قادر نباشند اداره امور شرکت را در دست بگیرند و یا مدیران را انتخاب کنند. این دسته از سهامداران به دلیل پراکندگی سهام عملاً فاقد قدرت برای شرکت در تصمیم گیری ها می باشند؛ بنابراین حمایت از سهامداران یکی از مباحث مهم در قوانین حاکم بر بازار سرمایه است. در راستای قوانین مذکور سه شاخصه مهم در نظر گرفته شده است: شاخص افشای معاملات و مسئولیت مدیران و شاخص سهولت اقامه دعوا برای تعقیب قانونی عملکرد سوء مدیران در شرکت است، که باعث اثربخشی حقوق قانونی سهامداران در شرکت می شود.

حقوق سهامداران در قالب میزان توانائی آنها برای اعمال کنترل منابع اقتصادی شرکت، تغییر مدیران سودجو، فرصت طلب و ناکارآمد، نظارت بر مدیران شرکت و هدایت آنها یا تغییر مالکیت تبلور می یابد، به گونه ای که این امور منجر به افزایش ارزش شرکت می شود. اعمال کنترل و نظارت از سوی سهامداران می تواند به عنوان یک ابزار نظارتی مؤثر برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی مورد توجه قرار گیرد. هر چه قدرت سهامداران برای نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی بیشتر باشد، کیفیت سود بهتر خواهد بود. اگرچه بر اساس قانون، سهامداران، مالک شرکت ها محسوب می شوند و مدیران باید استفاده بهینه از منابع اقتصادی شرکت را در راستای منافع سهامداران به عمل آورند، اما در عمل با بزرگ تر شدن شرکت ها و گسترش مالکیت

آن‌ها، اختیارات سهامداران در تغییر ترکیب هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی کاهش یافته است و حقوق سهامداران تضییع می‌شود، زیرا در عمل بخش عمده نقل و انتقال سهام با هدف کنترل نیست، بلکه بیشتر با هدف کسب منافع از سرمایه‌گذاری‌ها انجام می‌پذیرد و این امر سبب می‌شود تا اتخاذ تصمیمات به سوی مدیران شرکت سوق پیدا کند و سهامداران تنها به صورت نمایشی در مجامع عمومی شرکت‌ها، تأییدکننده تصمیمات مدیران شوند (La Porta, 2003: 20).

### 3-1-4- معیوب بودن نظام بازرسی شرکت و عدم کارایی آن

در شرکت‌های سهامی بازرسی یا بازرسان قانونی در قالب یک نهاد کنترل‌کننده نمود پیدا می‌کنند. عملیات بازرسی چه در هنگام تشکیل و چه در طول فعالیت شرکت اجباری است به نحوی که نه تنها عدم تعیین بازرس، بلکه نبود گزارش بازرس قانونی راجع به صورت‌های مالی در جلسه مجمع عمومی، موجب بی اعتباری تصمیمات مجمع می‌گردد (Pasban, 2006: 94). تحقیقات نشان داده است هر چه نهاد بازرسی کاراتر و مؤثرتر باشد امکان تخلف مدیران بسیار کاهش پیدا کرده و این امر در درازمدت موجب ازدیاد ثروت سهامداران و بهره‌وری شرکت می‌شود. ساختار کنترلی هر شرکتی باید در جهت حفاظت از دارایی‌های شرکت در برابر تقلبات و سوءاستفاده‌ها باشد. کنترل درونی یک شرکت دارای ارکانی است که اخلاف در عملکرد هر یک از آنان می‌تواند در عملکرد شرکت خدشه وارد نماید و ورشکستگی شرکت را به دنبال داشته باشد این ارکان مشتمل بر حسابداری داخلی، کمیته حسابرسی و سیستم حسابداری است. در رکن بازرسی شرکت انرون هماهنگی نبود، بین اعضای کمیته حسابرسی تضاد منافع وجود داشت، یکی از اعضای این کمیته به نام لردویک هم در همان موقع دارای قرارداد مشاوره ای با انرون بود این کمیته نظارت درستی بر عملکرد حسابرسان نداشت، موارد متعددی از تخلفات قانونی در جهت تحریف و دستکاری در صورت‌های مالی وجود داشت. برای مثال این شرکت منافع یک فعالیت مشترک با شرکت بلاک بوستر<sup>1</sup> که هرگز تحقق پیدا نکرد را شناسایی و در صورت‌های مالی خود به کذب منعکس نمود و در اقدام دیگری در بین سالهای 1997 تا 2000 مبادرت به حساب‌سازی

برای تحریف سود و اصلاح سود هر سهم<sup>1</sup> نمود. این تحریف با حذف سه مورد بدهی و هزینه‌های ذریبط محقق شد.

شرکت انرون هرچند دارای کمیته حسابرسی بود، لیکن عملکرد ضعیف مدیران غیر موظف، رویدادهای مالی تقلب آمیز را از طریق حسابرسی داخلی آشکار نمی کرد (Higgs Report, 2004: 20). در واقع کمیته حسابرسی به علت ضعف اخلاقی اعضای آن کاملاً در انجام وظایف خود ناتوان بود و حتی بین اعضاء با یکدیگر تضاد جدی وجود داشت. به عنوان مثال رئیس کمیته حسابرسی مبالغ اهدایی قابل توجهی به خاطر اغراض سیاسی دریافت کرده بود. همچنین یکی دیگر از اعضاء کمیته مذکور قراردادهای مشاوره ای با انرون داشت و اصل شفافیت که جزء ضروریات حسابداری است در انرون وجود نداشت. مدیریت انرون به منظور پرهیز از مسئولیت‌های مرتبط با کاهش قیمت سهام از طریق معاملات فی مابین شرکت‌های فرعی سود ساختگی ارائه داد و بدهی‌های خارج از ترازنامه زیادی از طریق عملیات واحدهای اقتصادی با مقاصد خاص به بار آورد. چنین اعمال متقلبانه ای حتی با ساختار کنترل‌های داخلی شرکت کشف نشده باقی ماند (Davani, 2005). رسوایی انرون به نحوی بود که حتی ادعاهایی مبنی بر اینکه حسابرسان مستقل نیز فعالانه در کنار مدیریت در طرح ریزی و یا تدبیر این تقلب حسابداری مشارکت داشته‌اند مطرح شد (Chang, 2003: 21). ساینو<sup>2</sup> معتقد است که انرون به این دلیل که آگاهانه به اصول و قواعد حسابداری بی توجهی کرد ورشکسته شد (Alimoradi, 2008: 148).

از آنجا که در شرکت انرون اهداف مدیران و سهامداران در یک مسیر قرار نداشت و مدیران ارشد از ابتدا منافع خود را در تضاد با حقوق سهامداران می دیدند، به فکر ایجاد شرکت‌های فرعی افتادند، و این امر عامل تشدید تضاد منافع بین مدیران و سهامداران گردید.

#### 2-4- نقش واحدهای دارای مقاصد خاص در ورشکستگی انرون

یکی از ریشه‌های ورشکستگی انرون به واحدهای دارای مقاصد خاص برمی گردد. این

1- EPS

2- آنتونی مایکل ساینو (Anthony Michael Sabino) استاد دانشگاه اس تی جان دانشکده حقوق نیویورک

واحدها ردیف بودجه ای مشخصی ندارند بلکه مسائل مالی خود را از طریق یک رابط با شرکت مادر حل و فصل نموده و از سوی شرکت مادر برای اهداف خاصی تشکیل می‌شوند. از واحدهای دارای مقاصد خاص تعریف رسمی وجود ندارد لیکن اوصاف و خصوصیات مشترکی برای آنها ذکر نموده‌اند:

الف) نداشتن مدیریت یا کارکنان مستقل. ب) مدیریت اداری این واحدها عمدتاً به وسیله یک امین انجام می‌شود که رابط بین واحد دارای مقاصد خاص و ایجاد کننده آن است. ج) این واحدها در قالب مؤسسات امانی تشکیل شده و گاه در قالب شرکت با مسئولیت محدود، سهامی یا شرکت تضامنی نیز تشکیل می‌شوند. د) منابع مالی اینگونه واحدها عمدتاً از طریق استقراض تأمین می‌شود. البته مؤسس نیز حدود سه درصد از منابع مالی یک واحد دارای مقاصد خاص را تأمین می‌کند و حق استفاده از دارائی‌های نگهداری شده را برای خود حفظ می‌کند. ه) فعالیت‌های این واحدها به موجب اساسنامه محدود می‌باشد و نمی‌توانند هر نوع فعالیتی را انجام دهند.

انرون از واحدهای دارای مقاصد خاص در حجم گسترده‌ای استفاده می‌نمود. این واحدها بدون اینکه ارزش افزوده ای برای سهامداران ایجاد نمایند با حساب آرایبی و ایجاد بدهی‌های جدید به عنوان ابزاری در جهت مطامع مدیران عمل می‌نمودند. طبق اصول پذیرفته شده حسابداری آمریکا، یک شرکت باید صورت‌های مالی واحدهای دارای مقاصد خاص را با صورت‌های مالی خود تلفیق کند مگر اینکه: اولاً واحد دارای مقاصد خاص، مالکیت مستقلی داشته باشد که حداقل سه درصد سرمایه متضمن ریسک را دارا باشد و ثانیاً، مالک بر واحد مذکور کنترل و نظارت داشته باشد. بعضی از واحدهای دارای مقاصد خاص انرون واجد این دو شرط نبوده‌اند و در نتیجه مشمول تلفیق می‌شدند، اما انرون صورت‌های مالی آنها را با صورت‌های مالی خود تلفیق نکرده بود، و حسابرسی آنها بر پیچیدگی صورت‌های مالی انرون افزوده بود. بخشی از زیان 638 میلیون دلاری که برای سه ماهه سوم سال 2001 گزارش شده بود مربوط به واحدهای دارای مقاصد خاصی بود که توسط آندرو فاستو اداره می‌شد. انرون دارائی‌هایی را به این واحدها منتقل می‌کرد و آن را به عنوان فروش ثبت می‌نمود. این دارائی‌ها توسط واحدهای دارای مقاصد خاص برای گرفتن وام مورد استفاده قرار می‌گرفت. یعنی در محتوا، انرون با وثیقه قراردادن دارائی‌های خود استقراض می‌کرد ولی با ظاهر نمایی فروش دارایی به واحد دارای مقاصد خاص، سود فروش دارایی را ثبت می‌نمود. از طرف دیگر با تلفیق نکردن واحدهای دارای مقاصد خاص، سودهای

درون گروهی را حذف نمی کرد تا دیون و تعهدات خود را کمتر نشان دهد.

درگیری کارکنان کلیدی در فعالیت واحدهای دارای مقاصد خاص از جمله معاون مالی آن باعث ایجاد تضاد منافع شدیدی برای سهامداران انرون می شد؛ اما هیئت مدیره اعتقاد داشت که تضاد منافع و خطرات مرتبط با آن می تواند تحت نظارت مؤثر هیئت مدیره و مدیریت ارشد شرکت باشد (Bozorgasl, 2003).

اغلب مدیران شرکت انرون با توسل به روش های متقلبانه، نظیر طراحی و انجام معاملات صوری و ساختگی با اشخاص وابسته به قصد مدیریت سود، کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت سود را تا حد ممکن به پایین ترین سطح تنزل داده بودند و طراحی و انجام معاملات با واحدهای دارای مقاصد خاص از جمله موارد کاربرد این گونه روش های متقلبانه بود؛ که تنها هدف این معاملات دستکاری و مدیریت سود بود.

شرکت انرون بدهی های خود را به نحو درست در ترازنامه منعکس نمی کرد. انرون با ایجاد حدود 3000 شرکت برون مرزی قیمت انرژی را دستکاری می کرد. وقتی ایالتی مانند کالیفرنیا برای عقد قرارداد به انرون مراجعه می کرد، انرون یکی از قراردادهای خود با شرکت های اقماری را نشان می داد و با قیمت های سرسام آور با مشتریان واقعی خود قرارداد منعقد می کرد. علاوه بر این، انرون با انتقال تعهدات خود به این گونه شرکت ها، سودهای ساختگی را برای وال استریت<sup>1</sup> گزارش می کرد (Boulo, 2006). یکی از مدیران عالی رتبه سابق شرکت انرون، بعدها اقرار کرد که این شرکت به منظور تحت تأثیر قرار دادن تحلیلگران وال استریت یک اتاق تجاری تقلبی ایجاد کرده بود و در نتیجه، برداشت مثبت تحلیلگران وال استریت از شرکت، به افزایش سرمایه گذاری و بالا رفتن قیمت سهام آن ها کمک کرده بود. برای تشکیل این بخش جعلی به نام «خدمات انرژی انرون»<sup>2</sup> روسای شرکت به کارمندان دستور داده بودند تا وانمود کنند که در این اتاق مشغول انجام معاملات هستند. به هر ترتیب عملیات طوری زمان بندی می شد تا بیشترین تأثیر را روی تحلیلگران بگذارد (Davani, 2005).

1- وال استریت (Wall Street) بورس و مرکز تجاری نیویورک است که در طول زمان، نام وال استریت به عنوان مکان افراد دارای نفوذ اقتصادی در آمریکا شهرت گرفته است.

اقدام انرون در عدم درج بدهی‌ها در ترازنامه بصورت کامل، و ارائه‌ی ارزش غیر واقعی سهام شرکت در بازار بورس، منجر به تشدید تضاد منافع بین مدیران و سهامداران گردید، که این امر از جمله موارد تخلف اساسی از اصول و قواعد حاکم بر حقوق شرکت‌ها تلقی می‌شود.

### 3-4- رسوایی و ورشکستگی انرون از دیدگاه مقررات حسابرسی

در حقوق شرکت‌ها ارائه غیر واقعی صورت دارایی و تنظیم ترازنامه مزور جرم تلقی شده است و تقسیم هر نوع سود بین سهامداران با ترازنامه صوری منفعت موهوم قلمداد شده و فاقد اعتبار است.

مک دونالد از ورشکستگی شرکت انرون تحقیقی انجام داده و اعلام کرده است در پنج ورشکستگی بزرگ دو دهه گذشته تنظیم گزارشات مالی مزور بدون در نظر گرفتن قواعد مربوط به حسابرسی، باعث مخدوش شدن استقلال حسابرسان گردیده است (McDonald, 2001). همچنین لیزمن و همکارانش در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که از مهم‌ترین دلایل ورشکستگی این شرکت، نقش دوگانه مؤسسه حسابرسان اندرسن بوده است (Liseman, 2002). رومانو و ویل معتقدند ورشکستگی انرون و ولد کام، پندارهای همگانی را به این سو سوق دادند، که مشاوره و رایزنی حسابرسان برای صاحبکاران خود، (انرون) استقلال آنان را زیر سؤال برده است (Romano, 2004).

به منظور اینکه وضعیت مالی یک واحد اقتصادی به نحو مناسب در صورت‌های مالی منعکس شود به استانداردهای حسابداری نیاز است، تا رویه‌های مناسب و صحیح را برای معاملات تجویز کند. با این حال، سازمان تدوین استانداردهای حسابداری آمریکا به دلیل فراهم کردن فرصت‌های زیاد برای مدیران جهت اتخاذ رویه‌های متهورانه، در اثر قصور در تدوین استانداردهای شفاف برای حسابداری معاملات واحدهای اقتصادی با مقاصد خاص، که توسط انرون به عنوان ابزار رایج جهت ایجاد بدهی‌های خارج از ترازنامه مورد استفاده قرار گرفته بود، به شدت مورد انتقاد واقع شد (Chang, 2003: 21). مجله اکونومیست تاکنون سعی بر آن داشته تا القا کند که دیگر اصول حسابرسی کارایی ندارد. در سرمقاله 19 ژانویه این مجله چنین آمده است: "افتضاح شرکت انرون نشان می‌دهد که اقتصاد آمریکا بیش از این نمی‌تواند به مفاهیمی تکیه بزند که پیش از این برای حسابداری مقام و منزلتی داشته است". نویسنده سرمقاله اصرار می‌ورزد که "هیأت استانداردهای

حسابداری مالی<sup>1</sup> قواعد حسابرسی را تدوین و "کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا"<sup>2</sup> بر حسن اجرای آن قواعد نظارت می‌کند، و باید اصول حسابداری سنتی آمریکا دوباره مورد تجدید نظر و بررسی قرار گیرد. در تأیید نظر فوق، جی ادوارد کتز<sup>3</sup> نیز عقیده دارد که: "ورشکستگی کامل و یکباره شرکت انرون مبین ناکارآمدی اصول و روش‌های حسابداری در رویارویی با مسائل جدید در عرصه بازرگانی جهان امروز نیست". او معتقد است گزارش‌های مالی باید شفاف، دقیق و کامل باشد و فرقی نمی‌کند که حسابداری در عرصه اقتصاد سنتی یا نوین اعمال می‌شود (Alimoradi, 2008: 148).

البته نگارنده بر این نظر است که با قاطعیت نمی‌توان گفت قوانین و مقررات راجع به حسابرسی در آمریکا در ورشکستگی شرکت انرون مقصر هستند. زیرا انرون به این دلیل که آگاهانه به اصول و قواعد حسابرسی و افشای اطلاعات بی‌توجهی کرد ورشکسته شد و این یکی از علل سقوط آن است. هر چند بعدها این ورشکستگی پیامدهایی برای اصول حسابداری در زمینه تغییر آن داشت و منجر به تدوین قوانین در کشورهای مختلف گردید.

#### 4-4- نقش موسسه آرتور اندرسن در ورشکستگی شرکت انرون

آرتور ادوارد اندرسن در سال 1913 مؤسسه مذکور را در ایلینویز آمریکا بنا گذاشت. پس از 89 سال بزرگ‌ترین فساد مالی قرن را به بار آوردند. اندرسن با 85 هزار نفر پرسنل در سراسر دنیا یکی از پنج ابر موسسه مالی بزرگ در آمریکا بود. ورشکستگی انرون بزرگ‌ترین ورشکستگی ثبت شده تاریخ و سقوط انرون بزرگ‌ترین سقوط یک موسسه حسابداری به شمار می‌رود. انرون بزرگ‌ترین مشتری این موسسه پرآوازه بود. موسسه اندرسن به مدت دو سال به‌طور همزمان خدمات مشاوره مدیریت و حسابرسی مستقل را به شرکت انرون ارائه می‌داد و سال‌های زیادی هم سمت مشاور این شرکت را برعهده داشت. بعضی معتقدند که اندرسن همچون یک شعبه انرون بود و در دفتر مرکزی انرون جایگاه دائمی داشت.

1- FASB

2- ESC

3- جی ادوارد کتز (J. Edward Ketz) استادبار حسابداری دانشکده بازرگانی اسمیل دانشگاه پارک در ایالت پنسیلوانیا



در اکثر موارد حق الزحمه قراردادهای مشاوره بسیار بیشتر از حق الزحمه حسابرسی مستقل بود. به عنوان مثال این موسسه در سال 2000، مبلغ 27 میلیون دلار برای خدمات مشاوره‌ای و مبلغ 25 میلیون دلار برای حسابرسی صورت‌های مالی انرون دریافت کرده بود. کمیته حسابرسی، نظارتی بر حسابرس مستقل شرکت نداشت. مؤسسه اندرسن به مدد مدیریت ارشد شرکت انرون به عنوان حسابرس انتخاب شده بود، بنابراین موسسه به شرکت مدیون بود. افزون بر آن، تضاد منافع ناشی از ارائه همزمان خدمات مشاوره و حسابرسی مستقل وجود داشت.<sup>1</sup> این گونه روابط، می‌توانست قضاوت حسابرس مستقل را به مخاطره بیندازد و عملکرد حسابرسی را مبهم سازد. چنین تضاد منفعی از بعد حقوق شرکت‌ها در بازرسی شرکت خلل ایجاد کرده و نهاد بازرسی نمی‌تواند نقش اساسی خود را به عنوان عامل کنترل کننده ایفا نماید. در نتیجه، به منافع گروه کثیری از سهامداران و سایر ذینفعان لطمه وارد کرد. اندرسن در ایجاد بعضی از معاملات تنها به عنوان ابزاری برای سودسازی انرون عمل می‌نمود. طبق گزارش کمیته تحقیقاتی ویژه که به گزارش پاورز (از اعضای هیئت‌مدیره) معروف است، انرون مبلغ 5/7 میلیون دلار برای مشاوره در رابطه با معاملات واحدهای با مقاصد خاص به اندرسن پرداخت کرد. در دسامبر 2001 براردینو مدیر عامل اندرسن، اذعان کرد که حسابرسان ما، در مورد تلفیق یکی از سازمان‌های خارج از ترازنامه که توسط انرون ایجاد شده بود قضاوت نادرستی کرده‌اند (Hasasyeganeh, 2004).

بررسی ورشکستگی شرکت انرون نشانگر این است که ارائه همزمان خدمات حسابرسی مستقل و مشاوره نقض اساسی حقوق شرکت تلقی شده و موجب تضاد منافع در داخل شرکت می‌گردد، همین عامل ورشکستگی انرون را تسهیل نمود.

#### 4-5- دیدگاه اخلاق حرفه‌ای و عدم توجه به اصول و قواعد اخلاقی

اخلاق حرفه‌ای نوعی تعهد اخلاقی و وجدان کاری نسبت به وظیفه و مسئولیت است. صداقت در گفتار و کردار نمادی از احترام به اخلاق حرفه‌ایست. در دهه اخیر توجه به اخلاق حرفه‌ای در تراست‌ها و کارتل‌ها اهمیت پیدا کرده است. در برخی از شرکت‌های چند ملیتی نظیر میتسوبیشی

1- ارائه همزمان خدمات مذکور بر اساس آئین رفتار حرفه‌ای جامعه حسابداران رسمی ایران منع شده است.

و جنرال موتورز دستورالعمل‌های اخلاق حرفه‌ای تدوین و برای تخلف از آن ضمانت اجرایی در نظر گرفته‌اند<sup>1</sup> (Yedong Lou, 2005). در ابتدا مفهوم اخلاق حرفه‌ای به معنای اخلاق کار و اخلاق مشاغل به کار می‌رفت. امروزه نیز عده‌ای از نویسندگان اخلاق حرفه‌ای، از معنای نخستین این مفهوم برای تعریف آن استفاده می‌کنند. اصطلاحاتی مثل "work ethics" یا "professional ethics" معادل اخلاق کاری یا اخلاق حرفه‌ای در زبان فارسی است.

در اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت‌های اخلاقی سازمان در قبال محیط داخلی و خارجی است و این متمایز از حقوق کار است؛ اما حقوق کار نیز در آن مستتر است. اصول اخلاق خوب از پیش شرط‌های مدیریت استراتژیک خوب است.

امروزه، در مفهوم جدید از اخلاق حرفه‌ای، به مسئولیت‌های اخلاقی شرکت و سازمان اشاره می‌شود که جامع‌تر از تعریف سنتی است. در این نگاه، شرکت به منزله یک شخصیت حقوقی دو گونه مسئولیت دارد: الف) مسئولیت‌های حقوقی کیفری؛ ب) مسئولیت‌های اخلاقی، که این مسئولیت بسیار پیچیده‌تر از مسئولیت‌های اخلاقی فردی - شغلی است. به عبارت دیگر، مسئولیت‌های اخلاقی شرکت یا بنگاه شامل همه اضلاع و ابعاد سازمان می‌شود و اخلاقیات شغلی را نیز در بر می‌گیرد. البته اخلاق حرفه‌ای افزون بر اخلاق کار، حقوق کار را نیز در بر می‌گیرد (Faramarzgharamaleki, 2004: 105). قواعد اخلاق حرفه‌ای در محدوده شرایط اجتماعی - سیاسی و حقوقی حاکم بر فعالیت اصحاب حرفه‌ها در هر کشوری باید برای همان کشور تدوین شود. (Amiri, 2010).

در انرون سقوط ارزش‌های اخلاقی در نزد مدیران حتی کارکنان شرکت و نیز کمرنگ شدن حس دلسوزی و صداقت در بین مشاوران از عوامل دیگر در ورشکستگی شرکت بوده است، و در

1- هیأت مدیره کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار ایران در تاریخ 1393/2/2، "اصول اخلاقی و معیارهای رفتار حرفه‌ای و راهنمای آن" را به تصویب رساند. اصول اخلاقی و معیارهای رفتار حرفه‌ای به عنوان یکی از نیازهای بنیادی، با الهام‌گیری از اصول و معیارهای حرفه‌ای موسسه CFA و با توجه به ویژگی‌های بازار سرمایه کشور تدوین شده و بارها مورد مذاقه و تجدید نظر قرار گرفته است. در میانه راه از نظرات شرکت‌های فعال در بازار سرمایه نیز بهره گرفته شد؛ همچنین نظرات برخی مشاوران متخصص در حوزه‌های اخلاق، اخلاق حرفه‌ای، حقوق، مالی، سرمایه‌گذاری، و دارندگان گواهی‌نامه‌ی CFA در بهبود این اصول و معیارها تأثیرگذار بوده است.

کل پول و قدرت، سقوط اخلاق در این شرکت را رقم زد.

مدیر عامل و مدیر مالی شرکت انرون هر دو حساب آرایبی می کردند. افزون بر آن، ضعف اخلاقی اعضای هیئت مدیره موجب تضعیف کنترل داخلی شرکت شده بود. این گونه رفتارهای غیر اخلاقی و فرهنگی، ضعف شدید حاکمیت شرکتی تلقی می شوند که ممکن است منجر به شکست و فروپاشی هر شرکتی شود. قدرت نامحدود مدیرعامل مشکلی بزرگ و از علائم ضعف یک شرکت به حساب می آید. بین اعضای کمیته حسابرسی انرون تضاد منافع جدی به وجود آمده بود. به عنوان مثال، لرد و یک هم از اعضای کمیته حسابرسی، در همان موقع دارای قرارداد مشاوره‌ای با انرون بود. این کمیته، نظارت درستی بر کارهای حسابرسان مستقل نداشت. موارد مختلف تحریف و دستکاری صورت‌های مالی در انرون فراوان بود. توجه زیاد به سود هر سهم عاملی برای این انحطاط بود. هرچند توجه بازار سرمایه به سود هر سهم یکی از انگیزه‌های مدیران برای هموارسازی و مدیریت سود و دستکاری اقلام صورت‌های مالی است، لیکن این موضوع در مورد انرون با شدت و حدت بیشتری مطرح بود. در انرون، انگیزه و فرصت دستکاری سود و تحریف صورت‌های مالی بسیار گسترده بود. این عمل نمونه روشنی از مدیریت فریب‌آمیز، از پیش برنامه‌ریزی شده و غیر اخلاقی است که در بستر انرون فرصت رشد یافته بود.

حجم حساب‌سازی‌ها در انرون که در دو مقوله سودسازی کاذب و پنهان کاری مفاسد مالی خلاصه می‌شد، به حدی بود که بانک فیدلتی آمریکا (بانک اصلی حساب‌های انرون) اظهار داشته بود چنانچه بقیه کارهای خود را رها کنیم و فقط سرمایه‌های انرون را مدیریت کنیم، باز هم سوددهی خواهیم داشت (Davani, 2006).

بدیهی است مهم‌ترین قاعده اخلاق حرفه‌ای، ضرورت اجرای قوانین، به‌ویژه قوانین مربوط به مبارزه با فساد مالی و تقلب‌های تجاری و اداری است. در چنین مواردی، سازمان‌های انضباطی مجری اخلاق حرفه‌ای بر اقدام‌های متقلبانه و سوءاستفاده‌های اعضای حرفه‌ها نظارت می‌کنند و حتی بدون داشتن دلایل کافی، و به استناد مدارک و اطلاعات موثق دیگر، اعضای متخلف را مشمول مجازات‌های انضباطی قرار می‌دهند در قضیه انرون سازمان‌های حرفه‌ای در کشور آمریکا به دلایلی، وظیفه تعقیب متخلفین و تسلیم دلایل و مدارک به دادستانی را به‌منظور اعمال مجازات‌های انضباطی و کیفری، به‌موقع به معرض اجرا نگذاشتند.

#### 6-4- عدم نظارت کافی و مؤثر از سوی سازمان بورس اوراق بهادار

کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا مرجع قانونی برای نظارت، کنترل و تنظیم الزامات گزارشگری مالی و افشا در شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس است و مسئولیت حفظ سلامت بازار سرمایه را برعهده دارد. قانون بورس و اوراق بهادار مصوب سال 1934 میلادی: "اولین وظیفه بورس را محافظت از سرمایه‌گذاران و تأمین صداقت بازارهای اوراق بهادار می‌داند. قانون این اختیار را به کمیسیون بورس داده است تا استقلال حساب‌رسان را تعریف کند. این کار به منظور حفاظت از درستی صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی عام و در نتیجه کسب اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به گزارشگری مالی شرکت‌ها و بازارهای اوراق بهادار می‌باشد". طبق قوانین فدرال که برای حمایت از سرمایه‌گذاران وضع شده است کمیسیون بورس برای کنترل نحوه تأسیس و اداره شرکت‌ها وجود دارد که تصمیمات این کمیسیون برای کلیه شرکت‌ها لازم الاجرا است. به موجب قانون بورس سال 1964 کلیه شرکت‌هایی که بیش از 500 سهامدار دارند و سرمایه آنان بیش از یک میلیون دلار است باید از مقررات بورس تبعیت نمایند. در صورت احراز تخلف از طرف هر شرکت بورسی، کمیسیون مذکور با صدور دستور توقف از معاملات سهام آن شرکت جلوگیری می‌کند. آنچه مسلم است رفتار انرون آنچنان فریبکارانه و ابهام‌آمیز بود که باعث عدم نظارت دقیق کمیسیون بورس اوراق بهادار گردید. قبل از فروپاشی انرون برخی متخصصان مالی در خصوص احتمال ورشکستگی این شرکت و تبعات آن به کمیته بورس نیویورک اخطار نمودند، لیکن تحلیلگران بخش فروش بورس ضمن انکار چنین اخطاری، شهادت دادند نتیجه‌گیری آن‌ها درباره انرون بر مبنای آنچه به‌عنوان عملکرد مثبت در طول سال دیده بودند بنا شده است. آنان اعلام داشتند با در نظر داشتن اطلاعات قابل دسترس، حمایت آنان از انرون یک کار منطقی بوده است. در نهایت آنان اظهار کردند که مانند دیگران گمراه شده‌اند و در دفاع از خود به این مطلب اکتفا نمودند که قلب واقعیت انجام شده توسط انرون باعث شده که آن‌ها باور کنند که این شرکت در جهت مثبت حرکت می‌کرده، غافل از اینکه تمامی گزارش‌های تهیه شده نمایشی بیش نبوده است. همچنین وقتی سهام انرون به سی و شش سنت رسید و در تابلوی بورس به سهام خنثی تبدیل گشت، تحلیلگران در مورد اظهار نامه‌های مالی غیر شفاف شروع به اعلام نظر کردند و برخی از آنان اعلام کردند که از اعداد و ارقام انرون سر در نمی‌آورند. اگرچه انرون همیشه با مقدار کمی بالاتر از میزان تعیین شده توسط تحلیلگران بر تخمین درآمدها غلبه می‌کرد،

ولی به سؤالات مربوط به اینکه این سودها از کجا می آیند پاسخی نمی داد. این موارد همگی نشان دهنده ضعف در سیستم نظارت و کنترل بورس اوراق بهادار به عنوان نهاد ناظر دارد.

#### 4-7 نقش روابط ناسالم سیاسی در ورشکستگی و سرمایه‌گذاری انرون

درک این نکته که فساد چه اقداماتی را در برمی گیرد موضوعی مهم است زیرا فساد اشکال متفاوتی دارد؛ از رشوه، تقلب، پرداخت‌های غیرقانونی تا پولشویی، قاچاق و مصادیق دیگر که می‌تواند اندیشه‌های مجرمانه خلق کند. فساد لزوماً به وسیله پول انجام نمی‌شود و ممکن است به شکل حمایت و طرفداری و اعمال نفوذ هم بروز کند. در ایران هم در چند سال گذشته افشای فساد مالی در برخی نهادهای مالی و پولی باعث گردیده تا قانون ضد پولشویی و آیین‌نامه اجرایی آن منتشر و لازم‌الاجرا شود؛ بنابراین حساب‌برسان امروزه نمی‌توانند تنها به اظهارنظر حرفه‌ای در قالب استانداردهای خاص اکتفا کنند، زیرا در قوانین ضد فساد مالی و ضد پولشویی، قصور از جانب حساب‌برسان در این مبارزه را هم مشمول جرائم قرار داده‌اند.<sup>1</sup>

در قانون تجارت ایران در ماده 148 اصلاحیه قانون تجارت، وظیفه اصلی بازرس قانونی هر شرکت را «تضمین حقوق صاحبان سهام طبق قانون و اساسنامه شرکت» تعیین کرده است. بازرس دارای وظایف قانونی است و عدم توجه به آن، باعث فساد مالی در شرکت‌ها خواهد شد که می‌تواند حقوق برخی سهامداران را به نفع برخی سهامداران دیگر ضایع کند، و به‌طور غیر مستقیم حقوق اجتماعی شهروندان را مورد تعرض قرار دهد. لذا عدم وجود بازرسان برجسته اقتصادی برای نظارت بر فعالیت واحدها و نهادینه شدن فساد و اختلاس در ارکان نظام سیاسی یک کشور و همچنین نبود ساز و کار قانونی مناسب، می‌تواند عامل ایجاد فساد در شرکت‌ها باشد. فساد در کشور آمریکا به لحاظ فقدان نظام شایسته‌سالاری در گزینش مقامات و کارکنان ارشد شرکت‌های بزرگ، و نیز عدم وجود بازرسان مستقل، نوعی روابط سیاسی به‌منظور حمایت مالی از سیاستمداران را ایجاد کرد و طبیعتاً به لحاظ وجود منافع، عزم و اراده سیاسی لازم از سوی مقامات

1- ر.ک: برای مطالعه بیشتر، دوانی، غلامحسین، یادداشت منتشر شده در دنیای اقتصاد (1390/9/6) با عنوان حساب‌برسان و فساد مالی

دولتی جهت ایجاد راهکارهای اجرایی مبارزه با فساد نیز وجود نداشت.<sup>1</sup>

**بخشی از فساد مالی شرکت انرون در راستای اهداف سیاسی بشرح ذیل است:**

1- یکی از نکات برجسته تاریخ سیاسی انرون کمک‌های مالی این شرکت به گروه‌های مختلف سیاسی آمریکاست. شواهد بیانگر اینست که بین سال‌های 1989 تا 2001 شرکت انرون برای انتخابات ریاست جمهوری، به دولت وقت و کنگره کمک‌های زیادی اعطا کرده است. کمک‌های اعطا شده حاکی از آن است که این شرکت گرایش بیشتری به انتخاب جمهوری خواهان داشته است. کمک‌های سیاسی برای انرون قدرت سیاسی و توان نفوذ بر سیاست‌های انرژی آمریکا را به ارمغان آورد. با پیروزی دولت جمهوری خواهان در سال 2001، فرصت‌های گسترش طرح‌های انرون دو چندان شد. کنت لی به‌عنوان عضوی از گروه انتقال رئیس جمهوری انتخاب شده بود و در این مسند با معاون رئیس جمهوری، به‌طور مستقیم برای تدوین سیاست‌های انرژی کار می‌کرد. گفته می‌شود خانمی به نام وندی گرام<sup>2</sup> خالق ایده ورود انرون به قراردادهای مشتقه انرژی بوده است. وندی گرام همان کسی است که رئیس جمهور آمریکا در سال 2001 به بعد وی را به ریاست کمیسیون نظارت انرژی فدرال برگزید. همسر گرام، (سناتور فیل گرام) با برچیدن تقریباً تمام نظارت‌های دولتی بر فعالیت انرون، آرزوی دیرینه این شرکت را برآورده کرد (Jerry Taylor, 2001).

2- انرون در سه مکان جغرافیایی منافع ویژه‌ای داشت: آسیای میانه، افغانستان و هند. انرون سه میلیارد دلار در کارخانه برق دبول (نزدیک بمبئی هند) سرمایه‌گذاری کرد. این پروژه در سال 1992 آغاز و مقرر شد تا سال 1997 یک پنجم برق هند را تأمین کند. بدلیل اینکه هزینه‌های تولید

1- بررسی‌های به عمل آمده توسط سازمان جهانی شفاف‌سازی نشان می‌دهد که معادله ذیل در مورد فساد شرکت‌ها حاکمیت دارد: میزان پاسخگویی - استبداد + انحصار = فساد مالی -  $C = (Corruption) = M (Monopoly) + D (Despotism)$  -  $A$  افزایش یابد  $C$  کمتر می‌شود و برعکس. همچنین رابطه  $M$  و  $C$  یک رابطه مستقیم است یعنی با افزایش انحصار درجه فساد بیشتر و با کاهش انحصار درجه فساد در جامعه کمتر خواهد شد.

2- Wendy Gramm

برق و سوخت رسانی بالا بود انرون تصمیم گرفت تا از طریق آسیای میانه سوخت خود را تأمین کند. در سال 1996، یونکال<sup>1</sup> برنده قرارداد ساخت 1005 مایل خط لوله برای صادرات گاز ترکمنستان شد. این خط لوله از افغانستان و پاکستان می‌گذشت و به هند می‌رسید. دولت آمریکا برای تأمین منافع شرکت‌های خود از سال 1997 تا اوت 2001 با طالبان مذاکرات بسیاری به‌منظور ایجاد ثبات مورد نظر شرکت‌های آمریکایی انجام داد، در نهایت هندی‌ها به ادعای گرانی برق خریداری شده از پرداخت ما به ازای بدهی خود به ارزش 64 میلیون دلار خودداری کردند و با آمدن بوش بر سر کار، دیک چنی ملاقات‌های بسیاری با کنت لی انجام داد و با هندی‌ها بر سر طلب انرون مذاکراتی را انجام داد. آمریکا خواستار خط لوله بسته‌ای بود که از افغانستان عبور کند، اما طالبان خواهان استفاده از این خط لوله برای تأمین گاز مصرفی افغانستان بودند. بدین طریق انرون از جمله شرکت‌های متهم در پشت صحنه جنگ افغانستان است (Callan, 2002). رئیس دولت وقت افغانستان از مشاوران ارشد شرکت یونکال بود؛ و دلایل انتخاب وی نیز همین بود. در اواخر دهه نود میلادی، کرزای با یک فرد آمریکایی - افغانی به نام زلمای خلیل زاد روی پروژه سنت‌گاز<sup>2</sup> کار می‌کرد. خلیل زاد نماینده ویژه رئیس جمهوری در افغانستان بود، و زمانی نیز رابط ویژه شرکت یونکال و طالبان بود. کار خلیل زاد در پروژه سنت‌گاز، در واقع ادامه تلاش‌های انرون بود. این مسائل همگی گویای عمق بازی‌های سیاسی انرون و دیگر شرکت‌های آمریکایی برای تحقق پروژه نفتی است که «جاده جدید ابریشم» نام گرفته بود (Lederman, 2003). شواهد نشان می‌دهد که جنگ در افغانستان برای ایجاد خط لوله یونکال بوده است و ذینفع اصلی آن شرکت انرون بود، و عمق بازی‌های سیاسی و رابطه بین شرکت انرون و سیاستمداران را تأیید می‌کند (Got Juice, 2003)؛ بنابراین روابط ناسالم سیاسی در انرون بحدی بود که این شرکت را از حرکت در مسیر پیشرفت باز داشت که در نهایت منجر به ورشکستگی آن گردید.

1- Unocal

2- Cent Gas

## 5- جمع بندی و نتیجه گیری

یافته‌های مطالعاتی درباره وقایع مربوط به ورشکستگی شرکت انرون روشن می‌سازد که عوامل ذیل مهم‌ترین دلایل سقوط این شرکت بوده‌اند. پایبند نبودن به اصل شفاف‌سازی اطلاعات، تقلب گسترده و عدم اعمال مدیریت ریسک تقلب، از جمله دلایل ورشکستگی انرون بوده است. همچنین تخلفات مالی و حساب‌سازی مدیران، ارائه‌ی ارزش غیر واقعی سهام در بورس، استفاده از واحدهای دارای مقاصد خاص و عدم تلفیق آن‌ها بمنظور انتقال زیان به آن‌ها و درج سود کاذب در ترازنامه شرکت و یا ایجاد اتاق تجاری تقلبی جهت افزایش سرمایه‌گذاری و بالا رفتن قیمت، را می‌توان در زمره دلایل دیگر ذکر نمود.

عامل دیگر در سقوط انرون، عدم استقلال حساب‌رسان به دلیل ارائه‌ی خدمات همزمان مشاوره به شرکت بود، که منجر به بروز تضاد منافع گردید. این در حالی است که حسابرسی مستقل امور شرکت، لازمه‌ی نظام راهبری نظارت محور است. همچنین در زمان ورشکستگی انرون استانداردهای حسابداری کافی نیز وجود نداشت و مراجع تدوین این مقررات نیز در اجرای وظیفه خود قصور نمودند. ضعف در نظارت بر شفافیت اطلاعات بازار سرمایه، عدم افشا و شفاف‌سازی اطلاعات از سوی مدیران، و نیز عدم رعایت حقوق سهامداران به‌ویژه سهامداران اقلیت که خود به تنهایی عامل بی‌اعتمادی و موجد تضاد منافع بین سهامداران و مدیران گردیده بود از دیگر مشکلات انرون بود. عامل دیگر، عدم استقلال هیئت‌مدیره و تبعیت از مدیر عامل بود که ناشی از قدرت نامحدود مدیر عامل بود؛ زیرا دو عنوان مدیریتی یعنی ریاست هیئت‌مدیره و مدیرعامل هر دو در یک شخص جمع شده بود و این اقدام مانعی جدی برای اصل مسئولیت مدیران در مقابل سهامداران و قدرت پاسخگویی آن‌ها بود؛ بنابراین مشکلات ساختاری و درون سازمانی در انرون از یک طرف و عدم نظارت مؤثر از سوی نهادهای ناظر نظیر سازمان بورس اوراق بهادار آمریکا و... از سوی دیگر را می‌توان از مهم‌ترین عوامل سقوط و انحلال انرون محسوب نمود. هر چند اسباب دیگری نیز از بعد اقتصاد سرمایه‌داری، اجتماعی، فرهنگی جامعه آمریکا را در ورشکستگی اینگونه شرکت‌های بزرگ نمی‌توان نادیده گرفت.

در کل ضروری به نظر می‌رسد به لحاظ روند رو به رشد ایجاد شرکت‌های سهامی در ایران و توسعه شرکت‌های بورسی، ضمن نیاز به تصویب قوانین حمایتی در این زمینه جهت افزایش اعتماد



عمومی، همچنین تصویب قوانینی در جهت اصلاح ساختار درونی شرکت‌های بورسی ایران در جهت پاسخگو کردن هر چه بیشتر مدیران اقدام شود؛ یعنی قوانینی که از سهامداران، مشتریان، کارکنان، نیروی کار شرکت و حتی افشاگران حمایت کند. سازمان بورس نیز می‌بایستی بر حسن اجرای این قوانین و گزارش‌های حسابرسی و مدیریت در ارزیابی کنترل‌های داخلی شرکت‌ها نظارت کند، تا ضمن به حداقل رساندن ریسک تقلب از بروز موارد مشابه جلوگیری به عمل آید و همچنین حس اعتماد را در سهامداران و ذینفعان افزایش دهد.

## References

- [1] Adam Bates. (2006). Fraud Risk Management, Developing a strategy for prevention, Detection, and Response, Global Chairman, KPMG Forensic. p:1-10.
- [2] Amiri, A. Mobini, M. Hematti, M. (2010). Professional ethic, necessity for organization. Publication of Marefat Akhlaghi. No. 4 (in Persian)
- [3] Alimoradi, Abbas. (2008). Enron and Anderson, Bankruptcy and Falling (Farewell With Accounting Principles?). Accounting Monthly Magazine, No. 148 (in Persian)
- [4] Beasley, M. (1996). An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud. Accounting Review 71465-443.
- [5] Bozorgasl, Mousa. (2003). Behind of Falling Enron and Influences for Accounting Trade. magazine of Hesabres. No. 20. pp 1-8 (in Persian)
- [6] Bouloo, Ghasem, (2006). Corporate Governance System and Influence it on Profit Quality. Monthly Magazine of Stock Exchange. No. 52 (in Persian)
- [7] Chang, ki yang. (2003). Attempt to Increasing Accounting Transparency in Korea. Translation by Ghasem bouloo. Auditor Magazine. No. 21 (in Persian)
- [8] Callan, Ron and Albion Monitor 2002, The Enron-Cheney-Taliban Connection.alternet.org.P.6.
- [9] Congress of the United States Fraud Enforcement and Recovery Act of 2009 (FERA), US GPO, Washington, DC 20401. Passed by both the House and Senate, U.S President signed it into law in May 20, 2009.
- [10] Daghani, Reza. (2009). Fraud in Corporations: Who do beware? Specialized Quarterly Periodical of Formal Auditor. No 6 (in Persian)
- [11] Davani, Gholamhosein (2005). Legal Method of Fraud in Global Capital Market, News Web of Baztab. 2005 (in Persian)
- [12] Davani, Gholamhosein (2005). Enron, Commerce, Profit and Nothing. Monthly Magazine of Stock Exchange. No. 52 (in Persian)
- [13] Faramarzgharamaleki, Ahad. (2004). Professional Ethic. Edition 2. Majnoun Pablication, Ghom (in Persian)
- [14] Fox, L., Enron The Rise and Fall, John Wiley & Sons, Hoboken, NJ.:

- 2003.p:1-5
- [15] Got Juice? Bush's Refusal to End California Electricity Price Gouging Enriches Texas Friends and Big Contributors, [www.citizen.org/documents/ReportGotJuiceFeb12.2003.PDF](http://www.citizen.org/documents/ReportGotJuiceFeb12.2003.PDF).P.21.
- [16] Hasasyeganeh, Yahya. (2004). Falling of Professional Moral and Overthrow of Enron. Auditor Magazine. No. 27. pp 1-6 (in Persian)
- [17] Hasasyeganeh, Y, Daghani, R, Oskou, V. (2009). Management of Fraud Risk, Specialized Quarterly Periodical of Formal Auditor Kankash. pp 1-10 (in Persian)
- [18] Higgs Report, the Review of the role and Effectiveness of Non-executive Directors, Department of trade and Industry, London, January 2003 International Federation of Accountants, Enterprise Governance Getting the Balance Right, Professional Accountants in Business Committee (PAIB), NewYork, 2004. P:20-25
- [19] Kazemi, H; Hasasyeganeh, Y. (2008). Corporation Governance and Risk Management. Accounting Monthly Magazine, No. 188 (in Persian)
- [20] Jerry Taylor and Peter VanDoren, "California's Electricity Crisis: What's Going On, Who's to Blame, and What to Do," July 3, 2001.P.2. [www.cato.org](http://www.cato.org)
- [21] Khanchel, Imen. (2007). Corporate governance: measurement and determinant analysis, Managerial Auditing Journal, Emerald.
- [22] La.Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A & Vishny, R.W., LegalDeterminants of External Finance, Journal of Finance, 52: Klapper, Leora., Bankruptcy Around the World: Explanations of its Relative Use, World Bank, (web document), 20 pages, available, 2003.
- [23] Lederman, Robert. (2003). Is Enron Behind the war in Afghanistan? [renew.com](http://renew.com).P.10
- [24] Liseman, S.,J. Weil, and M.Schroeder, 2002, Accounting Debacles spark calls for change, Heres the Rundown, The wall street journal, P.6.
- [25] Mokarrami, Yadollah. (2008). Falling of Enron Empire. Economic Magazine. Noor Magazine Sight. Islamic Sciences Copmuter Center (in Persian)
- [26] Mansour, Jahangir. (2003). Tade Act. Didar Publication. Edition 8 (in Persian)
- [27] McDonald, E., (2001), Was that Auditor's opinion Really Independent?, Forbes.P.15.
- [28] Nasimi, Homayoun. (2002). American Energy Traders are defeated one by one by Enron Disease. Energy Economic Magazine, No. 41 (in Persian)
- [29] Newton. (1998). Bankruptcy Insolvency Accounting practice and procedure, 1:Wiley, pp: 21- 41.
- [30] Pasban, Mohamadreza. (2006). Trade Corporation Law. Edition 1. Samt Publication. Tehran (in Persian)
- [31] Public Citizen's discussion of these issues in June 2000 publication, "The Transmission Solution: Non-profit, Consumer-owned Transmission Companies." [www.citizen.org/documents/transmissionsolution.PDF](http://www.citizen.org/documents/transmissionsolution.PDF)

- [32] Prantis, Robert. (2005). Enron, Dissection Based on Behavior. Monthly Economic Magazine of Siahate Gharb. No. 21. pp 1-17 (in Persian)
- [33] Romano, Roberta. (2004). The Sarbanes-Oxley Act and the Making of Quach corporate Governance New York University Law and Economics working paper, No. 3, September 26. Jonathan, Weil (2004), Auditing firms Get Back to what They Do Best, Wall street journal (March 31); C3.
- [34] Rowe Edward. (2008). Disclosure of internal control, corporate governance, performance and compliance, Audit committee institute in Russia.
- [35] Sajjadi, Seyyed Hossein. (2007). Effect of Non Auditing Services and Economic Dependence of Auditor to Employer on Independence of Auditors. Accounting Studies Magazine of Allammeh Tabatabaei University. No. 19 (in Persian)
- [36] Seyyed Ahmadi Sajjadi, Ali. (2008). Corporation Analysis of Economic Aspect. Quarterly Periodical of Private Law Idea. No 13. Year 5. Pp 101-125 (in Persian)
- [37] Yedong Lou, Corporate Governance and Accountability in Multinational Enterprises: Concepts and Agenda, Journal of International Management, Available Online at: <http://www.science Direct.com>, 2005. P.5